خارج فقه جلسه 126 – افعال الوضوء- 1401.04.06

موضوع: (فصل فی افعال الوضوء - ادامه راه‌حل دو روایت مسح جلوی سر و تعین مسح قسمت ناصیه - مقدار وجوب مسح سر - اقوال - ادله - نظر استاد)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

در جلسه قبل راه‌حل‌هایی در جمع بین روایاتی که مسح جلوی سر را بیان می­کرد و بین دو روایت صحیحه ای که ناصیه را در مسح متعین کرد بیان شد. راه‌حل اول جمع مطلق بر مقید بود که روایات ناصیه، روایات مطلقه را تقیید بزند که جلوی سر انتخاب شود، دو اشکال داشت که بیان شد.

راه‌حل دوم: روایاتی که کلمه «مقدم» دارد، به معنای ناصیه گرفته شود و اگر در نص و فتوا آمده که واجب است مقدم رأس مسح شود اراده ناصیه شده که ما بین دو طرف پیشانی است و این جمع تبرعی است و دلیل می‌خواهد که گفته‌اند در برخی از کتاب لغت مقدم به معنای ناصیه آمده است مثل کتاب قاموس اللغة.

راه‌حل سوم: ناصیه حمل بر مقدم بشود یعنی آن روایاتی که کلمه ناصیه آمده لابد منظور امام از ناصیه همان مقدم است مثل ابن ادریس در سرائر و شهید اول در ذکری در برخی از کتب لغت تصریح دارد که ناصیه جلوی سر را می‌گویند و در کلمات برخی از مفسرین هم آمده مثلاً در مجمع البیانفرموده در آیه ﴿فیؤخذ بالنواصی و الاقدام﴾ منظور از نواصی جلوی پیشانی است.

راه‌حل چهارم: ناصیه به معنای رستنگاه مو باشد و کاملاً با مقدم فرق دارد چون مقدم به معنای جلوی سر است و این به معنای همان مقدار مویی است که به پیشانی وصل است و این عده باید بگویند اگر در دو صحیحه به ناصیه اشاره شده حمل بر افضل افراد است.

نظر مرحوم آقای خویی به تبع آقای حکیم در مستمسک:

ایشان از این راه‌حل‌ها نتیجه‌ می‌گیرد که کلمه ناصیه مجمل است اما کلمه مقدم مبین است یعنی جلو و مقدم الراس یعنی جلوی سر و مقابل آن عقب سر است و قاعده حمل مجمل بر مبین جاری می‌شود و هو المختار یعنی هیچ تعینی در ناصیه نیست و آن دو صحیحه نمی‌تواند تعین بر ناصیه داشته باشد البته ممکن است که روایات حمل بر افضل افراد شود یعنی ناصیه افضل افراد مقدم است.

امر سوم: به چه مقداری از مسح واجب، مسح گفته می‌شود؟ فقها فرمودند که مستحب است با سه انگشت مسح سر و پا شود اما مسمی مسح کفایت می‌کند که این مسمی مسح به دو صورت فرموده‌اند یکی اینکه عرض مسح به اندازه یک انگشت باشد و دیگر که عرض مسح به اندازه کمتر از یک انگشت باشد و آقای مکارم این اقل از اصبع را قبول ندارند و هو المختار.

ادله‌ای که درباره کفایت مسمای مسح ذکر کرده‌اند از کتاب و سنت است:

اما از کتاب آیه ﴿وامسحوا برؤسکم﴾ است که امر به مسح مطلق است، از این اطلاق به دست می‌آید که هم از نظر طول و هم عرض مجرد مسمی مسح کافی است چون اگر کافی نبود مولا بیان می‌کرد و وقتی‌که بیان نکرد نشان می‌دهد که عرفاً صدق مسح بکند کافی است و مؤید این مطلب تفسیری است که امام باقر علیه السلام فرمودند. زراره می‌گوید قلت لابی جعفر علیه‌السلام که چرا مسح برخی از سر و پا را کافی می­دانید؟ حضرت فرمودند این آیه ﴿فاغسلوا وجوهکم﴾ نشان می‌دهد که کل صورت باید شسته شود و بعد فرمود ﴿و ایدیکم الی المرافق﴾ فهمیدیم که مرفقین باید شسته شود و بازو لازم نیست شسته شود و قرآن فرمود ﴿و امسحوا برؤسکم﴾ که قسمتی از سر است چون باء به معنای بعض است که اگر قسمتی از سر مراد نبود باء آورده نمی‌شد از‌طرف دیگر در مسح پا مثل عین شستن دست فرمود که تا مرفقین و اینجا فرمود ﴿الی الکعبین﴾ که منظور همه پا نیست و منتهی الیه نیازی نیست تا آخر باشد بلکه تا آن برآمدگی کافی است اما عامه ظاهر آیه را خلاف آن تفسیر کرده‌اند.[[1]](#footnote-1)

اشکال مرحوم آقای خویی ره: تفسیر فوق هیچ کمکی به ما که می‌گوییم مسمای مسح کافی است نمی‌کند، به این بیان که این روایت مطلق نیست بلکه روایت درصدد بیان وجوب مسح و عدم وجوب غَسل سر است که در مقابل عامه که سر را می‌شویند شستن سر لازم نیست و شاهد، طعنه آخر حدیث است که فرمود «متاسفانه آیه شریفه وضو را آنها ضایع کرده‌اند».

اشکال استاد: آنچه در میان اصحاب مسمای مسح را کافی دانستند این بود که صدق عرفی بکند و این صدق عرفی از آیه فهمیدند که امر امسح مطلق است و خدا هم طول و هم عرض مسح را به عرف داد و امام علیه‌السلام از این عبارت إن المسح ببعض الرأس لمکان الباء فهماندند که من که یکی از عرف مسلمین هستم از این باء می‌فهمم که تمام سر لازم نیست مسح شود و اگر قسمتی مسح شود کافی است و هرکجا عنوان بعض عرفاً چه طولاً و چه عرضاً صدق کند کافی است لذا مثل صاحب جواهر و مرحوم طبرسی از این حدیث کمک گرفتند برای تفسیر آیه شریفه کار درستی کرده‌اند چون آن‌ها به دنبال صدق عرفی مسح هستند که بعضی از سر مسح شده است حال طول و عرض آن در اختیار شما است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱ ص ۲۹۰ ح ۱ باب ۲۳ [↑](#footnote-ref-1)